

دردهای ناگفته و رنجهای ناشنیده مردم را سرود میسازم

و فریاد میکنم

نویسنده: استاد (صبحاح)



من سوژه و الهام هنرم را از مردم میگیرم و مردمی که مرا داوود سرخوش ساختند و به من قدر، عزت و افتخار بخشیدند. همیشه با مردم خواهم ماند و از دردها، رنجها، تنهایی ها و مهاجرت و غربت آنان خواهم خواند و دردهای ناگفته و رنجهای ناشنیده شان را سرود میسازم و فریاد میکنم.

دانشمندی میگوید: اگر در مقابل با بی عدالتی ها خاموش بمانیم کاری کرده ایم که به نفع ظالم تمام شود. اکنون اگر توجهی به هنر موسیقی نداشته باشیم مبتذل بخوانیم قدر مردم را ندانیم و از درد و رنج آنان چیزی نگوئیم در حقیقت کاری کرده ایم به نفع بیگانه ها و دشمنان مردم.

هنگامی که درباره موسیقی کشور قلم می زنیم، به نام بزرگمردانی بر می خوریم که در بنیاد و تار و پود این هنر اصیل، بیشترین تأثیر را داشته اند. اگر به سابقه فعالیت هنرمندان که نامشان بر سر زبان ها افتاده، بیافکنیم به نامی بر می خوریم که حضور و فعالیتش در عرصه موسیقی بسیار بیشتر از سایر هنرمندان هم وزن خود بوده است، از اجرای پارچه های دل انگیز گرفته تا صدایی گیرا و آهنگهای بیاد ماندنی. بی گمان یکی از کاروانسالاران موسیقی ما داوود سرخوش است.

داوود سرخوش طی این مدت غم و درد مردم میهنش را در قالب آهنگ با تمام توان فریاد کشیده و چنین است که مردم قدرشناس وطن او را پاس میدارند.

داوود میخواند:

دو رهبر خفته بر روی دو بستر
دو عسکر خسته در بین دو سنگر
دو رهبر پشت میز صلح خندان
دو بیرق بر سر گور دو عسکر.

در مورد زندگینامه داوود سرخوش در همه نشریه ها و وبگاه ها هم عقیده نوشته اند: داوود سرخوش در ششم ثور ۱۳۵۰ خورشیدی در قریه جُرباش ولسوالی بندر ولایت دایکنندی چشم به جهان گشود. در شب عید قربان سال ۱۳۶۲ خورشیدی سرور سرخوش برادر بزرگش با سی و دو تن از اعضای خانواده بدست افراطیون مذهبی کشته شدند. ناگذیر داوود با اعضای بازمانده خانواده راه مهاجرت را درپیش گرفتند و غربت نشین کویته پاکستان گردید.

سال ۱۹۹۲ میلادی از پاکستان به انگلستان رفت و یک سال را در انگلستان به سر برد و از سال ۲۰۰۰ میلادی بدینسو در شهر ویانا اتریش با خانواده اش زندگی دارد. داوود در سال ۱۹۹۵ میلادی با خانم (کبرا- نیکزاد) که از کودکی با هم آشنا بودند، ازدواج کرد و صاحب سه پسر می باشند. داوود با آهنگ های میهنی اش به شهرت رسید، روزگاری که افغانستان درگیر جنگ بود و مهاجرت سرنوشت بسیاری مردم کشور را رقم میزد. آهنگ های «زمانه»، «مسافر» و «سرزمین من» را به دوستداران هنرش عرضه نمود و محبوب القلوب گردید.

بی آشیانه گشتم خانه به خانه گشتم
بی تو همیشه با غم شانه به شانه گشتم
عشق یگانه من از تو نشانه من
بی تو نمک ندارد شعر و ترانه من
سرزمین من
خسته خسته از جفایی سرزمین من
بی سرود و بی صدایی سرزمین من
درد مند و بی دوايي سرزمین من
سرزمین من
کی غم تو را سروده؟ سرزمین من
کی ره تو را گشوده؟ سرزمین من
کی به تو وفا نموده؟ سرزمین من
ماه و ستاره من راه دوباره من
در همه جا همیشه بی تو گزاره من

گنج تو را ربودند از بهر عشرت خود
قلب تو را شکسته هرکه به نوبت خود
سرزمین من
مثل چشم این ستاره سرزمین من
مثل دشت پر غباره سرزمین من
مثل قلب داغداره سرزمین من.



آلبوم های هنری:

سرزمین من (۱۹۹۸)

پری جو (۲۰۰۰)

سپید و سیاه (۲۰۰۴)

مریم (۲۰۰۸)

بازی (۲۰۱۰)

داوود سرخوش خواننده، شاعر و آهنگساز محبوب افغانستان است. سرخوش بیشتر آهنگ‌های آلبوم‌هایش را خودش ساخته و اجرا می‌کند. داوود در سن نو سالگی به نواختن دنبوره پرداخت و در هفده سالگی به آوازخوانی آغاز کرد. وی در آهنگهای خود، تلاش کرده است احساسات ملی را با غم غربت و بی وطنی بازتاب دهد که میلیون ها افغان در مهاجرت و آوارگی تجربه کرده اند. داوود سرخوش وسایل موسیقی دنبوره، هارمونیه، پیانو و رباب را مینوازد.

پدر سرخوش غلام حیدر که از متنفذین منطقه به شمار می رفت، هم در زمان محمد ظاهر شاه و هم محمد داوود، وکیل انتخابی منطقه بود و به همین دلیل به نام وکیل شهرت داشت. غلام حیدر وکیل با کیمیا، مادر داوود که در تذکره او را فاطمه نوشته بودند، ازدواج کرده بود. حاصل ازدواج آنها چهار پسر و هشت دختر بود که از این میان یک پسر و یک دختر دیگر در قید حیات نیستند. غلام حیدر از دو ازدواج دیگر خود فقط صاحب یک فرزند شد.

داوود که به عنوان یازدهمین فرزند خانواده به دنیا آمده بود، هنوز کودکی بیش نبود که مادر را از دست داد. تا هفت سالگی، قرآن، خواجه حافظ و شهنامه را در خانه نزد پدر خواند. وقتی یگانه معلم قریه که از هرات بود در سال ۱۳۵۷ خورشیدی مانند همیشه به قریه آمد، پس از امتحان گرفتن دید که داوود خواندن و نوشتن می تواند. او را مستقیماً شامل صنف سوم ساخت. سال بعد در آغاز صنف چهارم که تازه قلم و کتاب و کتابچه را از مکتب گرفته بودند، یکبارہ جنگ آغاز شد. میز و چوکی که مکتب آنها به عنوان یگانه مکتب در منطقه آن را تازه به دست آورده بود، سوختانده شد و آن یگانه معلم قریه هم به سختی توانست جان سالم بدر ببرد.

این زمان هنگامی بود که بنیادگرایان اسلامی بر سرنوشت مردم و میهن جولان مینمود و زندگی را بر مردم کشور جهنم ساخته بود. بسیاری از متنفذین منطقه جان خود را در این کش و گیر از دست دادند و خانواده سرخوش نیز تاوان بزرگی را درین لجام گسستگی متقبل گردید و سی و دو تن از اعضای خانواده داوود به شمول برادرش سرور سرخوش، کاکا، پسران کاکا، پسران عمه و پسران ماما در یک شب به قتل رسیدند. کودکان و تعدادی خانواده که از دم تیغ قتل یافته بودند مدت ها متواری بودند تا این که غربت سرای کویته را به عنوان اقامتگاه موقت برگزیدند. داوود سه پسر به نام های صبور، ذوالفقار و یاسر دارد. داوود سرخوش زمانی که آهنگ وطنم دوباره . . . را سرود همه هوشها گوش شد.

وطنم دوباره اینک توی شانه های پامیر
بتکان ستاره ها را که سحر شود فراگیر
بتکان ستاره ها را که ستاره های این شهر
همه یادگار زخم اند، همه یادگار زنجیر
منم و امید روزی که ترا چنان ببینم
که شوی چو بال طاووس به هزاران رنگ و تصویر
گل و گندم شقایق بدمد ز دشتهایت
ز بلند شانه هایت شود آفتاب تکثیر
وطنم مبادا روزی که کسی ز غنچه هایت
به فراق اشک ریزد، ز غمت شود گلوگیر.

داوود سرخوش تا اکنون کنسرت های زیادی را در کشورهای مختلف از جمله روسیه، هالند، ناروی، سوئدن، دانمارک، پاکستان و نیز کنسرتهای را در شهرهای مختلف ایران و استرالیا برگزار کرده است. او تا کنون پنج آلبوم به صورت رسمی به بازار عرضه کرده است. از داوود سرخوش تا حال پنج آلبوم نشر شده به نام های سرزمین من، پری جو، سپید و سیاه، مریم و بازی. وی اکنون مصروف ثبت آلبومی است که شاید (جنگ و جنون) و شاید هم (جنون) نام بگیرد. دو کار دیگری که عزم انجام دادن آنها را دارد با دمبوره، این یار دیرین او در پیوند است. می خواهد آهنگ های مخصوص دمبوره را با همان اصالت شان آلبوم کند و نگذارد بادهای

فراموشی آنها را از یادها محو کند. با استفاده از تکنیک های ثبت می خواهد در نوازندگی دمبوره هم نوآوری های کند و دمبوره از تنهایی خود بدرآید.

داوود سرخوش در غربت و بیگانگی از تی دل فریاد کشید:

گر یک دانه و دردانه هستی
اگر چشم و چراغ خانه هستی
به ملک دیگران بیگانه هستی

کسی مهر تو را در دل ندارد
کسی نام تو را بر لب نیارد
کسی دست تو را نمیفشارد

نه یار با وفا و مهربانی
نه از یاری و عیاری نشانی
نه دوست هم رفاه و همزبانی

نه جشن گل سرخ و شادیانی
نه جوش گل بهار و ارغوانی
نه بویی از هرات با صفانی

نه قولی نه قراری نه پارک زرنگاری
نه باغ و کوچه باغی نه میل و نه دماغی.

داوود سرخوش باری به پرسشگر مجله آرمان گفته بود: متأسفانه موسیقی هم مثل سایر بخشهای هنری و فرهنگی در افغانستان فعلاً از وضعیت چندان مطلوب برخوردار نیست. بدلیل این سه دهه وضع آشفته و نا بسامان افغانستان که تمام ابعاد زندگی مردم ما را تحت تأثیر منفی خود قرار داد و مانع از ایجاد فرصت های رشد و ترقی جامعه در زمینه های مختلف گردید هنر و موسیقی هم نتوانست در چنین شرایط رشد و پویائی داشته باشد و عملاً در این دوران سی ساله نه تنها کدام کار اصولی و بنیادی برای شکوفائی و تربیت هنرمند در این رشته هنری انجام نشد بلکه بعضاً تلاش هایی جهت نابودی آن نیز صورت گرفت. به همین جهت اکثر کارهای که در این مدت به نام موسیقی افغانستان عرضه شده است بیشتر حالت ذوق گونه و شاید بتوان گفت بازاری دارد تا کیفیت و غنای لازم هنری را.

اگر در این میان ما شاهد بعضی آثار برجسته و از نگاه هنری تا حدودی قابل قبول هستیم این صرفاً بدلیل تلاشهای فردی و استعداد خود این هنرمندان بوده است. در مجموع وضعیت هنر موسیقی افغانستان در شرایط فعلی زیاد خوب نیست. اما وضعیت فعلی به معنی این نیست که ما نتوانیم شاهد یک وضعیت خوبتر و بهتر در آینده باشیم. خوشبختانه نگاه به موسیقی به حیث یک هنر متعالی در بین مردم افزایش یافته و هنرمندان به محتوای کارشان بیشتر اهمیت می دهند که این خود باعث امید واری برای آینده بهتر برای هنر موسیقی می باشد. کمپوز و موسیقی بهترین آهنگهای داوود سرخوش.

سرزمین من آهنگ ترکی امیر جان صبوری

یا مولا علی، امیر جان صبوری

جره جو، داوود سرخوش

آی مردم آخر ای مردم، امیر جان صبوری

دمی که با تو می گذارم، داوود سرخوش

به ای ملکا، امیر جان صبوری

مریم، داوود سرخوش

شب های بی ترانه، امیر جان صبوری

شهرستانی، داوود سرخوش.

در شرایطی که موسیقی کشور به دلیل ستم و استبداد بنیادگرایان در تاریکی فرو رفته بود، داوود سرخوش این هنر را با خواندن آهنگ هایی که از حس وطن پرستی و رنج غربت الهام می گرفت، جان تازه ای بخشید. آهنگ های وی تجارتي نبود، بلکه انعکاس هنری از غم غربت و طعم تلخ زندگی در مهاجرت برای میلیون ها مهاجر افغان در سراسر جهان بود، هزاران مهاجری که به کنسرت های داوود سرخوش شتافتند تا فرهنگ و تجربه مهاجرت و دوری از وطن را با او قسمت کنند و برای لحظاتی با وی خوشحال باشند.

امروز داوود سرخوش به عنوان هنرمندی توانا و یکی از سرشناس ترین چهره های هنری کشور شناخته می شود. داوود سرخوش بار ها گفته است: اگر می خواهید به موسیقی رو آورید آگاهانه و مسئولانه وارد کارزار این هنر شوید، نه برای نان و شهرت.

داوود سرخوش را میتوان از جمله هنرمندان ملی و مردمی شمرد. آهنگ های بلندی میهنی و مردمی سروده است که حس وطن دوستی و بازتاب مصایب و دردهای مردم را منعکس می سازد و میخواند:

دل من شکوه نکن از کس و ناکس دل من

دل من تو راز عشق و عاشقی بر دل من

دل من دنیا را شناختی دل من

مرد و نامردها را شناختی دل من
عشق و آدمها را شناختی دل من
دل من یاران زمانه ناسپاس و نامهربانه
عشقشان خالی و ریایی راهشان در غربت جدایی. . .

من قبلاً صحبت‌های تلفونی که با آقای سرخوش داشتم، بارها و بارها ایشان تاکید داشتند که من سوژه و الهام هنرم را از مردمم میگیرم و مردمی که مرا داوود سرخوش ساختند و به من قدر، عزت و افتخار بخشیدند. من همیشه با مردمم خواهم ماند و از دردها، رنجها، تنهایی‌ها و مهاجرت و غربت‌شان خواهم خواند و دردهای ناگفته و رنجهای ناشنیده اینان را سرود میسازم و فریاد میکنم.

داوود سرخوش در مورد هنر و موسیقی عقیده داشت:

زیبا ترین آهنگ که درد مردم را منعکس بسازد و غربت و آوارگی را تمثیل نماید، میتوانید آهنگ جاودانه و ماندگار باشد، زیبا ترین آهنگی که تنها برای مردم و میهن سروده شود و در جملات و کلماتش مفاد مادی و زرق و برق ظاهری وجود نداشته باشد، یعنی آهنگی که در آن درد وجود داشته باشد و متعلق به مردم باشد، میتواند آهنگ همیشه بیاد ماندنی باشد. من با خود گفتم یقین چنین است و هر آهنگی را که سرخوش سرود بیاد ماندنی شد. آهنگهای:

سرزمین من

زمانه

دست های خالی

خدمت زندان

آهنگ سفر

دل من دنیا را شناختی دل من

با گذشت سالها هنوز در لبها تکرار و در گلوها زمزمه میشود.

داوود سرخوش خواننده، شاعر و آهنگساز به نام سرزمین ماست. سرخوش بیشتر آهنگ‌های آلبوم هایش را خودش ساخته و اجرا می‌کند. آهنگهایش بیشتر از سروده‌های خود وی است، اما از آهنگ، شعر و کمپوز امیرجان صبوری نیز بهره برده است. سرخوش از نو سالگی شروع به نواختن دمبوره و بعد ها کیبورد، هارمونی و رباب را نیز فرا گرفت و در ۱۷ سالگی به آوازخوانی پرداخت.

. وطنم

. یا مولا علی

. تندى مکن

. دل من دنیا را شناختی

. من و دریا
. در این سرای بی کسی، کسی به در نمی زند
. سرزمین من
. با این دستان خالی، سیالی بی سیالی
. تب کرد خاک و تیره انسان تباه شد شرمنده باز چهره خورشید و ماه شد
. سلام ای هموطن فرزندان میهن امید پاک و نیرومند میهن
. باز دل می تپد از رغبت دیدار دگر که کشد باز مرا بر سر بازار دگر
. ترک سفر کن
. بتکان ستاره ها را که ستاره های این شهر، همه یادگار زخمند، همه یادگار زنجیر
. دخترم مکن بازی، بازی اشکنک دارد
. تب کرد خاک و تیره انسان تباه شد
. همسایه
. بهار
. تنها.

اینان از بهترین های داوود سرخوش است و سرخوشی که از فقر، ظلم و ستم در سالهای دوری دور سروده بود و با این نوا در قلبها جای گرفت و در لبها تکرار شد.

در سالهای ۹۲ تا ۲۰۰۲ میلادی در افغانستان دوران رکود هنر موسیقی بود و برعکس در پاکستان در هر کست و سی دی فروشی، البوم های گوناگونی از هنرمندان مختلف وارد بازار موسیقی می شد. از جمله البومهای احمد ولی، حیدر سلیم، فرهاد دریا، قادر اشپاری، احسان امان، حبیب قادری. . . بیشترین شنوینده و خریدار را داشت و اما البومهای فرهاد دریا که در آن آهنگهای: یک دانه گل دو دانه، کابل دور است که من سلامت بکنم، گردش چشم سیاهی تو، تو رفتی، دوری ات بر ما اثر کرد، خودم این سو، دلم آن سوی دریا، در این غربت سرا دل در برم نیست و از همه بیشتر مورد خرید و فروش قرار میگرفت و در هر رستوران و کافی شنیده میشد و درین گیر و دار داوود سرخوش سه البوم بنامهای:

- سرزمین من (۱۹۹۸)

- پری جو (۲۰۰۰)

- سپید و سیاه (۲۰۰۴).

یکی را از پی دیگری وارد بازار موسیقی نمود و بخصوص آهنگهای: مولاعلی، سرزمین من، جره جو، در این سرای بی کسی، کسی به در نمی زند، دل من دنیا را شناختی، سلام ای هموطن فرزندان میهن. غوغا برپا کرد در

هر بزم موسیقی، در محافل و مجالس عروسی و خانوادگی و در هر زبانی این آهنگها زمزمه میشد و اکثر هنرمندان موسیقی این آهنگها را بازخوانی و کاپی می نمودند.

در پشاور آوازخوانانی که بیشتر در محافل و مجالس خوشی و جشنهای خانوادگی شرکت میکردند، رسول زمری، شاه رسول قاسمی، حفیظ وصال، نبی راهش، رسول راهش، فهیم شایق، اکبر سروش، سلطان هم آهنگ، داوود حنیف، قاسم بخش، شریف ساحل، نصیر هم آهنگ. . . بودند و بارها رسول زمری، نبی راهش، فهیم شایق، رسول راهش، نصیر پردیس و حفیظ وصال و دیگران می گفتند که در محافل و مجالس بیشترین علاقمند و شنوینده را آهنگهای داوود سرخوش دارد و همین آهنگهای داوود سرخوش است که مردم تسکین دردهای دوری از وطن و رنجهای غربت و آوارگی خود را در لابلای آن جستجو مینماید. البوم های داوود سرخوش به بازار رونق دیگری بخشید، و بیشترین فروش را از آن خود نمود و همانطوری که میدانیم در شهرهای پاکستان کاپی و تکثیر کست و البوم هنرمندان مطابق هیچ معیاری نیست و هزاران فروشگاه کست و سی دی، دکان، کراچی و دست فروشی برای عرضه کست و البوم موسیقی فعالیت غیر رسمی و غیرمعیاری دارند. هر کسی با یک دو سه رادیو کست و دستگاه های کوچک ثبت و تکثیر در هر گوشه شهر و بازار نشسته و نانی ازین طریق بدست می آورد.

آلبومهای داوود سرخوش با تمام قیود و مقررات که "طالبان" برای از بین بردن موسیقی و خاموش نمودن صدای آوازخوانان بکار گرفته بود و در هر گوشه وطن برده شد و مردم مخفیانه به آن گوش میدادند. آهنگهای پرطنین، صدای رسا و نازنین و البومهای دلنشین - داوود سرخوش را به مردم معرفی و موصوف را چهره ماندنی و دوست داشتنی ساخت.

روزنامه پر تیراژ مشرق از زبان سرخوش می نویسد: (داوود سرخوش با این پیام که اگر می خواهید به موسیقی رو آورید آگاهانه و مسؤلانه وارد کارزار این هنر شوید، نه برای نان و شهرت.)

صحبتهای زیادی که با داوود سرخوش از طریق تلفون داشتم بیشتر به این نتیجه رسیدم، نامبرده هنرمندیست که موسیقی را آگاهانه و مسؤلانه پذیرفته و در تلاش است تا این هنر را بیش از پیش به جامعه و مردم معرفی نماید و معتقد است، هنرمند واقعی کسی است که دارای انگیزه ای والا، اهداف متعالی و از هدفمندی برخوردار باشد، اراده قوی برای باروری، احساس و عاطفه خاص نسبت به موسیقی و مردم در وجودش جوانه بزند، جهان بینی روشن از هنر و تسلط بر هنر موسیقی داشته باشد. دردها و رنجهای روحی مردم و اسارت و درماندگی محرومین و مظلومین را بازگو کند. عشق ورزیدن و دوست داشتن نسبت به توده های مردمی و مردم گرایی و صبوری از ویژگیهای مهم یک هنرمند متعهد است و از همان آغاز حرکت، اهداف عالی هنری داشته باشد.

ویژگیهای يك آوازخوان خوب - در بین مردم و یا به عبارتی مردمی باشد، نکته بین و مشاهده گر خوبی باشد، متعهد باشد در کار خود تخصص و مهارت داشته باشد و به آنچه می گوید و یا می خواند، خود عمیقاً اعتقاد داشته باشد.

آی مردم آخر ای مردم
یار آهنگ سفر دارد
رفتن تنها خطر دارد
راه بی همراه خطر دارد
آی مردم آخر ای مردم
عاشقی خون جگر دارد. . .

به باور من، عدم همکاری بین امیرجان صبوری و داوود سرخوش پیامد های خوبی را برای سرخوش نداشت و طی سالهای آخر هیچگونه کار مشترک هنری بین این دو نخبه موسیقی وجود ندارد و در موقع مساعد در این مورد مفصل خواهم نوشت و آرزو داریم بار دیگر شاهد همیاری و همکاری مشترک هنری ایشان باشیم. بهره از شبکه سراسری مردم هزاره.

با مهر - صباح

thesabah@gmail.com

www.esalat.org